



سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر

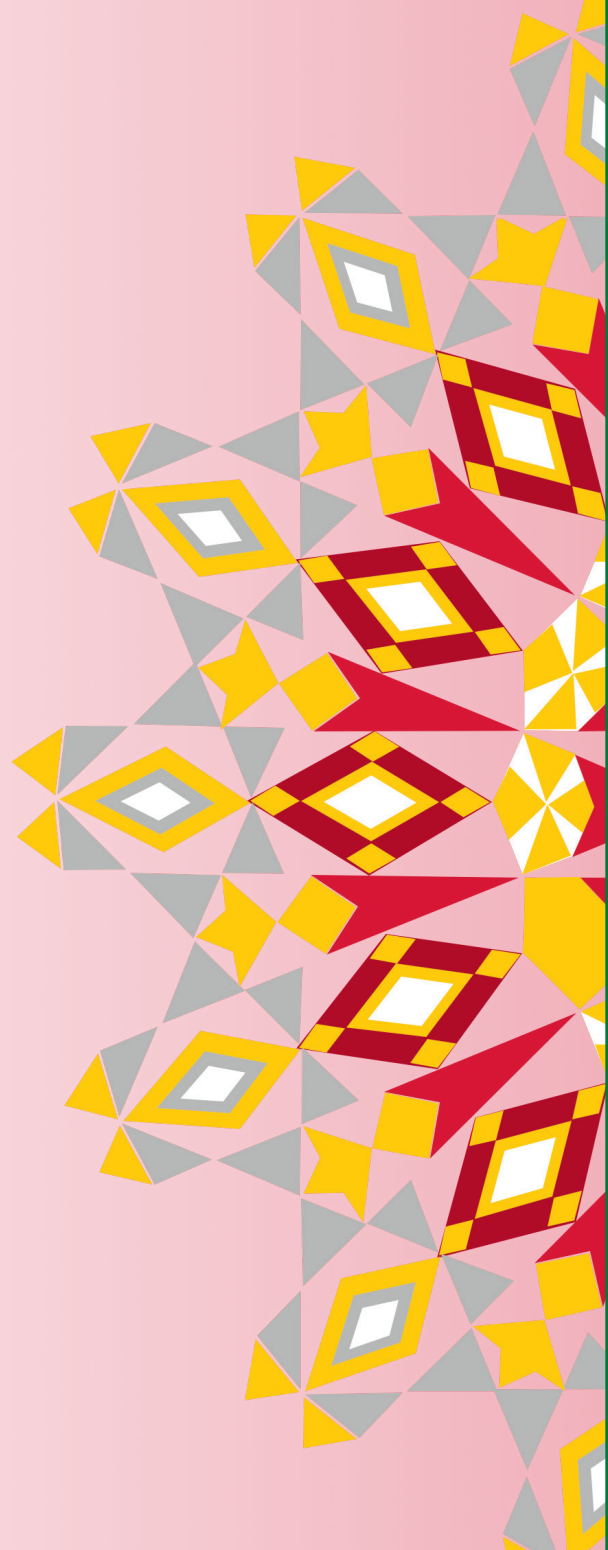
قسمت شانزدهم: گفت و گو با آقای دکتر علی آهون منش

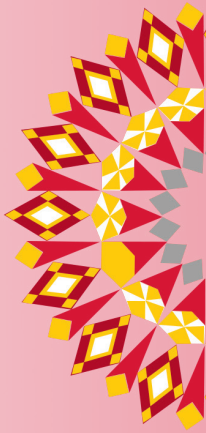


به کوشش: اسکندر زند، مهدی خلیج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی،
علیرضا سید اسحاقی و شهلا لجم اورک رمه چری

۱۴۰۰







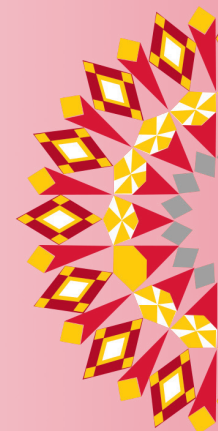


سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج کشاورزی



تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر

قسمت شانزدهم: گفت و گو با آقای دکتر علی آهون منش
معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج (سابق)



سرشناسه عنوان و نام پدیدآور	: آهون منش، علی، ۱۳۲۲ - تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر قسمت شانزدهم: گفت و گو با آقای دکتر علی آهون منش وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج (سابق) به کوشش اسکندر زند ... و دیگران ؛ ویراستار زهره آقاجانی؛ تهیه شده در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه های ترویجی؛ [برای] سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی.
مشخصات نشر مشخصات ظاهری شابک	: تهران : سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، نشر آموزش کشاورزی، ۱۴۰۰. : ۳۸ ص: (مصور رنگی)؛ ۲۰×۲۰ س.م. : ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۰-۹۶۷-۲
وضعیت فهرست نویسی یادداشت	: فیپا به کوشش اسکندر زند، مهدی خلج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی، علیرضا سیداسحاقی، شهلا لجم اورک، مرهمه چری
موضوع	: آهون منش، علی، ۱۳۲۲ - -- مصاحبه‌ها
موضوع	: کشاورزی -- ایران
موضوع	: Agriculture -- Iran
موضوع	: تاریخ شفاهی -- ایران
موضوع	: Oral history -- Iran
شناسه افزوده	: زند، اسکندر، ۱۳۴۶ - ، مصاحبه‌گر
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. معاونت آموزش و ترویج کشاورزی. نشر آموزش کشاورزی
رده بندی کنگره	: S۴۷۱
رده بندی دیوبی	: ۶۳۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۱۱۷۲۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

ISBN: 978-964-520-967-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۰-۹۶۷-۲



عنوان: تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر، قسمت شانزدهم: گفت و گو با آقای دکتر علی آهون منش، معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج (سابق)

به کوشش: اسکندر زند، مهدی خلج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی، علیرضا سید اسحاقی و شهلا لجم اورک مرهمه چری

مدیر داخلی: ویدا همتی

ویراستار: زهره آقاجانی

تهیه شده در: معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه های ترویجی

ناشر: نشر آموزش کشاورزی

صفحه آرا: شهره حکیمی

نمونه خوان: فتح اله بهرامی

شمارگان: محدود

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شماره ثبت در مرکز فن آوری اطلاعات و اطلاع رسانی کشاورزی ۵۰-۴۰۰ ک به تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و رودکی، پلاک ۲۰۵، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تلفن: ۶۶۴۳۰۴۶۵ | تلفکس: ۶۶۴۳۰۴۶۴ | کد پستی: ۱۴۵۷۸۹۶۶۸۱

نام و نام خانوادگی: دکتر علی آهون منش

سال تولد: ۱۳۲۲

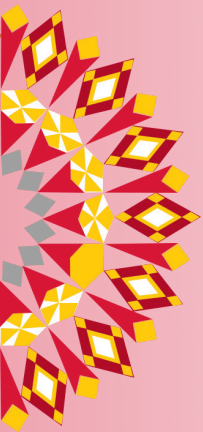
محل تولد: تهران

تحصیلات:

- ◀ فوق دکتری بیماری های برنج دانشگاه کالیفرنیا دیویس (آمریکا ۱۹۷۹)
- ◀ دکتری ویروس شناسی از دانشگاه کالیفرنیا دیویس (آمریکا ۱۹۷۸)
- ◀ فوق لیسانس ویروس شناسی از دانشگاه کالیفرنیا دیویس (آمریکا ۱۹۷۵)
- ◀ لیسانس گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز (۱۳۵۱)

مسئولیت ها:

- ◀ رئیس مؤسسه آموزش عالی صنعتی فولاد (غیردولتی غیرانتفاعی ۱۳۸۷ تا کنون)
- ◀ دبیر کل و رئیس شورای مرکزی اتحادیه دانشگاه ها و موسسه های غیرانتفاعی کشور (۱۳۸۷ تا کنون)
- ◀ استاد گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان (۱۳۸۷-۱۳۸۴)
- ◀ معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی (۱۳۸۴-۱۳۸۲)
- ◀ رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان (۱۳۸۲-۱۳۷۶)
- ◀ معاون وزیر کشاورزی در امور تحقیقات، آموزش و ترویج (۱۳۷۶-۱۳۶۸)
- ◀ رئیس آموزشکده کشاورزی شهر کرد (۱۳۶۷-۱۳۶۲)
- ◀ معاون حقوقی و پارلمانی وزارت کشاورزی (۱۳۶۲-۱۳۶۱)



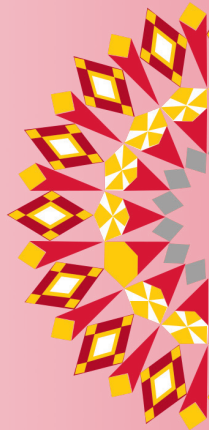
- ◀ مدیرکل آموزش کشاورزی کشور (۱۳۶۱-۱۳۶۰)
- ◀ مدیرکل ترویج کشاورزی کشور (۱۳۶۱-۱۳۶۰)
- ◀ مدیرکل کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۶۱-۱۳۶۰)
- ◀ رئیس دانشکده کشاورزی شهرکرد (۱۳۶۰-۱۳۵۹)

عضویت ها و جوایز:

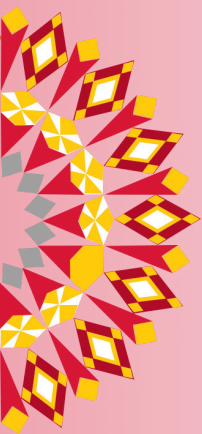
- ◀ رئیس انجمن علمی بیماری شناسی گیاهی کشور (سه دوره متوالی).
- ◀ رئیس چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی کشور (کنگره چهاردهم ۱۳۷۹).
- ◀ برنده جایزه بهترین کتاب سال (۱۳۷۸).
- ◀ هیات های امنا، کمیسیون های مختلف و شوراهای تخصصی.
- ◀ نماینده کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا در گروه مشورتی بین المللی تحقیقات کشاورزی (CGIAR). طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۲
- ◀ عضو هیات امنای مرکز بین المللی تحقیقات کشاورزی در مناطق خشک (ICARDA) برای دو دوره متوالی ۱۳۷۹ تا ۱۳۷۴
- ◀ معاون کمیته برنامه ریزی در هیات امنای ایکاردا

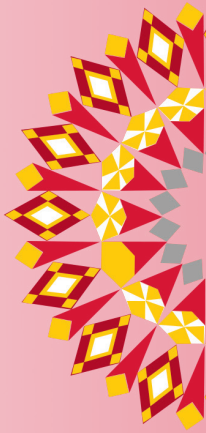
تألیفات:

- ◀ اصول مبارزه با بیماری های گیاهی، چاپ اول ۳۲۴ صفحه، ۱۳۷۸.
- ◀ اصول مبارزه با بیماری های گیاهی، چاپ دوم ۳۲۴ صفحه، ۱۳۷۹.
- ◀ اصول مبارزه با بیماری های گیاهی، چاپ سوم ۳۲۴ صفحه، ۱۳۸۲.

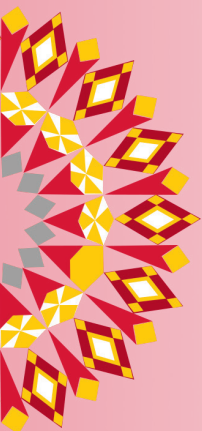


- ◀ اصول مبارزه با بیماری های گیاهی، چاپ چهارم ۳۲۴ صفحه، ۱۳۸۵.
- ◀ اصول مبارزه با بیماری های گیاهی ویرایش دوم چاپ اول ۳۹۱ صفحه، ۱۳۸۶.
- ◀ ۱۸۰ مقاله به زبان فارسی و انگلیسی در مجلات پژوهشی معتبر ایران و دنیا.





تاریخ مانند آینه‌ای است که با نشان دادن گذشته، حرکت به جلو و آینده را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. از این رو هدف اصلی تاریخ، نه شناخت گذشته، بلکه درک بهتر زمان حال است. کشاورزی نیز از مقوله‌هایی است که تاریخی کهن داشته و باید از این پیشینه، تجربیات، و دانش سنتی نهفته در آن برای آینده درس گرفت. کشاورزی در طی تاریخ در ایجاد مدنیت و تشکیل تمدن‌ها نقش مهمی داشته و بی‌توجهی به آن در مقاطعی از تاریخ زمینه‌ساز اضمحلال تمدن‌ها شده است. بشر از بیش از ده هزار سال قبل برای به دست آوردن غذا شروع به کشت گیاهان و پرورش حیوانات کرد و این کار را کشاورزی نامید و از آن زمان تا کنون کشاورزی دستخوش تغییرات زیادی شد و چهار نسل تحت عنوان کشاورزی ۱، ۲، ۳ و ۴ را طی کرده است. کشاورزی نسل ۱ از ۱۰ تا ۱۲ هزار سال قبل شروع و تا قرن نوزدهم ادامه داشت، در این دوره کشاورزی اساساً با کار بدنی زیاد انجام می‌شد و ریشه در روش‌های سنتی داشت. کشاورزی نسل ۲ در قرن نوزدهم و هم‌زمان با انقلاب صنعتی آغاز شد؛ انقلابی که بر همه جنبه‌های زندگی انسان تأثیر عمیقی گذاشت و در این میان، کشاورزی نیز دستخوش تغییرات جدی شد. مهم‌ترین تأثیر انقلاب صنعتی، کاربرد گسترده ماشین‌آلات و نهاده‌هایی مانند کود، سم و بذور اصلاح شده در کشاورزی بود و به دلیل پیامدهای زیست‌محیطی حاصل از مصرف نهاده‌ها، آلودگی آب و خاک و از بین رفتن تنوع زیستی و تهدید سلامت انسان و دیگر موجودات، انسان به فکر نوعی از کشاورزی افتاد که آن را کشاورزی پایدار نامید. به دنبال این تفکر و پیشرفت‌های به‌وجود آمده، موضوع کشاورزی دقیق باعنوان کشاورزی نسل ۳ مطرح شد و استفاده بهتر و بهره‌ورانه‌تر از نهاده و همچنین کیفیت و سلامت محصولات، بسیار مورد توجه قرار گرفت. از اوایل سال ۲۰۱۰ پیشرفت فن‌آوری‌هایی مانند حسگرها، ریزپردازنده‌ها، ارتباطات سلولی پهن باند، سیستم‌های مبتنی بر رایانش ابری و تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها باعث رشد فزاینده‌ای در کشاورزی دقیق شد و با ورود هوش مصنوعی و ارتباطات ماشین به ماشین نظیر اینترنت اشیا از اوایل سال ۲۰۱۴ کشاورزی نسل ۴ تحت عنوان کشاورزی هوشمند مطرح گردید.





با مروری بر تاریخ کشاورزی جهان و انطباق آن با کشاورزی ایران، به این نتیجه می‌رسیم که هر چند کشاورزی ایران عمدتاً در نسل دوم و در حال حرکت به سمت نسل سوم است، ولی هنوز نمونه‌هایی از کشاورزی نسل اول نیز به‌طور محدود و کم‌رنگ در برخی از روستاهای ایران یافت می‌شود. در خصوص کشاورزی نسل چهارم هنوز دنیا در ابتدای راه است و در ایران نیز علاقمندی به حرکت در این مسیر دیده می‌شود و نمونه‌هایی از هوشمندسازی در سامانه‌های آبیاری و یا صنایع پرورش دام، طیور و آبزیان را نیز در بخش‌هایی از کشور می‌توان مشاهده کرد.

علی‌رغم مطالب فوق، متأسفانه کشاورزی ایران بر خلاف بسیاری از رشته‌ها، هنوز از تاریخ مدونی برخوردار نیست. البته برخی از محققان و علاقمندان برای تاریخ‌نگاری کشاورزی ایران تلاش‌های فراوانی کرده‌اند، ولی از آنجا که ایران کشوری با پیشینه‌ای غنی است و یکی از مراکز مهم پیدایش کشاورزی جهان نیز محسوب می‌شود، آنچه تا کنون انجام شده بخش کوچکی از این تاریخ است و شایسته است که در آینده، تاریخ کشاورزی ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مجموعه حاضر به‌منظور کمک به ثبت برخی از تجربیات ۵۰ سال گذشته و مرور بر مقطع کوتاهی از تاریخ کشاورزی ایران طراحی شده است. در این مجموعه سعی شده است تجارب و نقطه‌نظرات چند گروه از صاحب‌نظران بخش کشاورزی کشور شامل وزرای کشاورزی، برخی از رؤسای کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی و تعدادی از صاحب‌نظران دانشگاهی و غیر دانشگاهی بخش کشاورزی به‌صورت مکتوب یا در قالب مصاحبه حضوری اخذ شود. شایان ذکر است که بدین‌منظور، از همه وزرای کشاورزی بعد از انقلاب اسلامی دعوت به عمل آمد و خوشبختانه با استقبال اکثریت آن‌ها مواجه شد. از بین این شخصیت‌ها، جناب آقای دکتر صادق خلیلیان به دلیل مکتوب‌سازی تجربیات در قالب کتابی که در دست تدوین است، علاقمندان را به مطالعه این مجموعه ارزشمند که به زودی در اختیار قرار خواهد گرفت، راهنمایی کردند.

این مجموعه، هم به صورت یک کتاب جامع (که در آن همه نظرات صاحب نظران تجمیع خواهد شد) و هم به صورت تک نگاشت (که در آن نظرات هر یک از صاحب نظران به صورت جداگانه وجود دارد) چاپ و روی سایت تالار ترویج کشاورزی نیز بارگذاری خواهد شد. امیدواریم که این حرکت کوچک بتواند آیندگان و علاقمندان را با بخشی از دیدگاه‌های بزرگانی که در این مجموعه، نظرات ارزشمند خود را در اختیار قرار دادند آشنا کند و از این تجارب گرانبها و نظرات راهبردی برای تحول آینده کشاورزی ایران به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر استفاده شود.

از همه بزرگوارانی که ما را در مراحل مختلف تدوین این مجموعه همراهی کردند به ویژه دوستان در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی و حوزه مشاوران وزیر که نام آن‌ها در فهرست زیر آمده بسیار سپاسگزاریم. آقای دکتر سید کریم موسوی (قائم‌مقام و معاون اداری و مالی)؛ آقای مهندس جمشید پیشکار (مدیر حوزه ریاست)؛ سرکار خانم مهناز نصرالهی (مدیر روابط عمومی)؛ آقای محمود نوری (مسئول دفتر مشاوران وزیر)؛ سرکار خانم ویدا همتی (رئیس گروه رسانه‌های ترویجی)؛ آقای فتح اله بهرامی (رئیس گروه شبکه دانش و فناوری‌های نوین)؛ آقای سینا مقدمی (مسئول رایانه و فن‌آوری اطلاعات)؛ خانم شهره حکیمی (تنظیم متن گفت و گو)؛ سرکار خانم زهره آقاجانی (ویراستار)؛ آقایان بهزاد عموجعفری و محمد روستائی (تصویربرداران)؛ آقای مهدی ساروقی (مسئول فنی)؛ آقای مهدی فیروزیار (عکاس)؛ آقایان ایمان میروردیزاده و مهدی طائرپور (امور هماهنگی)؛ آقای محمود کاشانی (حمل و نقل).

کمیته تدوین تاریخ شفاهی کشاورزی ایران

اسکندر زند، مهدی خلج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی،

علیرضا سید اسحاقی و شهلا لجم اورک رمه چری



تعدادی از عزیزانی که برای هم فکری و همکاری به این مجموعه دعوت شده بوده اند ترجیح دادند سؤال‌های ما را به صورت کتبی پاسخ دهند. متن زیر پاسخ‌های جناب آقای دکتر آهون منش است که بدین وسیله ما را از بخشی از نظرات ارزشمندشان بهره‌مند ساخته‌اند و بر مبنای مصاحبه حضوری نیست.

سؤال ۱: لطفاً از چگونگی ورودتان به دولت و عضویت در کابینه بفرمایید.

❖ دکتر آهون منش:

بسم الله الرحمن الرحيم. شهریور سال ۱۳۵۸ پس از طی تحصیلاتم در آمریکا، دانشگاه کالیفرنیا پردیس «Davis» و اخذ مدرک کارشناسی ارشد و دکترا و گذراندن یک دوره پسادکترا به ایران بازگشتم. به تمام دانشگاه‌های کشور مراجعه کردم (اصفهان، تبریز، زنجان، تهران، شیراز و مشهد) ولی می‌گفتند استخدام ممنوع است! همه با تعجب می‌گفتند همه در حال خروج از کشور هستند، تو چرا برگشته‌ای؟! بالاخره در بهمن ماه ۱۳۵۸، در دانشکده دامپروری وابسته به دانشگاه اصفهان، واقع در چالستر چهارمحل بختیاری با تحصیلات عالی گیاهپزشکی و به عنوان معلم زبان انگلیسی!! استخدام شدم. دو ترم درس زبان تخصصی کشاورزی و بیماریهای عمومی گیاهی (به عنوان یک درس فرعی) را ارائه کردم. در عین حال با پیشنهاد دانشگاه اصفهان ریاست دانشکده دامپروری را پذیرفتم. اندکی بعد از شروع مدیریتم، انقلاب فرهنگی اتفاق افتاد و دانشگاه‌ها تعطیل شدند.

با توجه به نوع تحصیلات و شناختی که از من پیدا کرده بودند، با پیشنهاد استاندار وقت (آقای مهندس استکی)

به سمت مدیر کل کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری منصوب شدم. حکم مدیر کلی نیز با امضای آقای محمد هاشمی رفسنجانی معاون وزارت کشاورزی با صورت تلفنگرام ابلاغ شد؛ نه مصاحبه‌ای، نه درخواست برنامه‌ای، و نه سؤال از سابقه‌ام در مدیریت اجرایی در کشاورزی. این خاصیت انقلاب بود که مدیران بر اساس سوابق مذهبی و انقلابی به کار گرفته می‌شدند. بنده نیز چون در زمان تحصیل در دانشگاه تبریز مدت زیادی با ساواک و زندان سروکله زده بودم، و با توجه به مدارج تحصیلی‌ام برای این کار انتخاب و مشغول به کار شدم. جنگ تحمیلی تازه شروع شده بود، با تقاضای استاندار بهترین ماشین‌های اداره کل کشاورزی در اختیار ستاد جنگ قرار گرفت و مأموریت‌های درون استانی دچار کندی و تعلل شد. بعدها فهمیدم، مدیرانی که سابقه اداری طولانی‌تری داشتند از اعزام اتومبیل‌ها خودداری نموده بودند!! دو مسئله دیگر هم وقتم را زیاد می‌گرفت: یکی مسئولیت بازسازی روستاهای زلزله زده منطقه ناغان بود که هیچ ربطی به اداره کشاورزی نداشت و فقط به خاطر پول و کمک‌های خارجی (چرب بودن طرح) از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل نفوذ وزیر کشاورزی وقت به اداره کل واگذار شده بود، که به تقاضای اینجانب و با تعلل و تأخیر به مسکن و شهرسازی واگذار شد؛ و دیگری واگذاری مسئولیت کمیسیون سوخت استان چهارمحال به اینجانب بود که آقای استاندار به دلیل اعتماد به اینجانب واگذار کرده بودند. با توجه به سهمیه بندی و کوپنی بودن نفت و بنزین، هر روز صدها نفر متقاضی دریافت کوپن بنزین (مخصوصاً مهاجرانی که از خوزستان و مناطق جنگی فرار کرده بودند) پشت در اتاق جمع می‌شدند، به‌علاوه با توجه به سردی شدید استان و کاهش نفت، تعداد زیادی از کارکنان اداره کل نیز درگیر توزیع نفت سفید به خانه‌ها و کوپن بنزین به مسافران بودند. ملاحظه می‌فرمایید که تجربه‌های مدیریتی‌ام با چه مشکلات خاصی شروع شد. به هر حال علیرغم نبود وسیله نقلیه



مناسب، ازدحام بیش از حد مردم، مشغول بودن کارکنان به فعالیت های عمومی مورد نیاز مردم، کار بخش کشاورزی به موازات و به خوبی پیش رفت. از جمله این کارها می توان به تهیه بذر گندم سردسیری، احداث اولین گاوداری صنعتی ۵ هزار رأسی، کمک به تولید گندم و توجه به زندگی روستاییان و مخصوصاً عشایر استان (که کوچ یکی از مهمترین مسائل زندگی آنان بود) اشاره کرد.

به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط زمان جنگ، تغییرات در مدیریت ها سریع و غیرمنتظره بودند. اولین مورد مربوط به احضارم توسط جناب آقای محمد سلامتی وزیر وقت کشاورزی بود که پس از پرس و جو، سؤال نمودند اگر قرار باشد در تهران خدمت کنید، از آمادگی لازم برخوردار هستید؟ در جواب گفتم هر جا که مسئولان تشخیص بدهند می توانم خدمت کنم. به استان برگشتم، به فاصله زمانی کوتاهی، استاندار چهارمحال استعفا داد و بنده برای جانشینی ایشان، از طرف نیروهای محلی که به دنبال جایگزین برای استاندار بودند به وزارت کشور پیشنهاد و برای مصاحبه احضار شدم. پس از مصاحبه گفتند چون سابقه کار در وزارت کشور ندارید، بهتر است اول به عنوان فرماندار بروجن مشغول به کار شوید و پس از کسب تجربه به استانداری بیایید. اینجانب مدیر کلی کشاورزی را به فرمانداری بروجن ترجیح و به کارم ادامه دادم. بعد از چند ماه، جناب آقای سلامتی دستور دادند که به تهران بروم و با دو سمت «مدیرکل آموزش کشاورزی» و «مدیرکل ترویج کشاورزی» مشغول به کار شوم. جالب است بدانید که حوزه آموزش کشاورزی زیر نظر معاونت تحقیقات وزارت کشاورزی (با مسئولیت آقای دکتر بهمن یزدی صمدی) و حوزه ترویج کشاورزی (با مسئولیت جناب آقای مهندس حسن طباطبایی) زیر نظر حوزه معاونت زراعت بود! و وزیر محترم برای حل مشکل این مدیریت دوگانه حکمی هم بهعنوان مشاور وزیر، به اینجانب دادند تا در هر دو حوزه انجام وظیفه کنم.

مدیر کل ترویج و مدیر کل آموزش کشاورزی قبل از تصدی من، به ترتیب مرحوم مهندس رئیسی و جناب آقای مهندس ترکاشوند بودند. هر دو از مدیران لایق بودند و خوشبختانه قبول کردند که با هم همکاری کنیم و صمیمانه و مخلصانه با اینجانب همکاری کردند. جناب آقای سید حسن طباطبایی به عنوان معاون وزیر هر هفته یک نیمروز با سایر مدیران کل حوزه مسئولیت خود، جلسه هماهنگی برگزار می کردند و همه موظف بودند که گزارش کار هفتگی خود را به ایشان بدهند، اما آموزش کشاورزی در حوزه معاونت تحقیقات، تحت تأثیر شدید «تحقیقات» بود و چندان جایگاهی نداشت، ولی هر دو حوزه ترویج و آموزش کشاورزی باتوجه به «طبیعت آموزشی» خود برای کشاورزان (در حوزه ترویج) و برای کشاورزان (در حوزه آموزش کشاورزی) به خوبی برایم قابل درک بودند و با مدیریت و تدبیر جمعی و استفاده از نظر کارشناسان در هر دو حوزه به خوبی مشغول به کار و انجام وظیفه شدم. هنوز مدتی از انجام وظیفه ام در وزارتخانه نگذشته بود که معاون پارلمانی وزارت کشاورزی به دلیل اختلاف سلیقه با وزیر محترم استعفا دادند و جناب آقای سلامتی مسئولیت «معاونت حقوقی و پارلمانی» وزارت کشاورزی را به اینجانب پیشنهاد و بلافاصله حکم لازم را صادر فرمودند. بنده در این حوزه اشرافی بر مسائل حقوقی نداشتم، اما خوشبختانه جناب حجت الاسلام دکتر صدرالدین شریعتی با توجه به تحصیلات حوزوی و دانشگاهی خود در زمینه حقوق همراه ما و کمک مؤثری برای این حوزه بودند. در بخش پارلمان نیز از طریق تماس با تک تک نمایندگان مجلس شورای اسلامی و طرح این موضوع که اگر مسئله ای در حوزه کشاورزی دارند به اینجانب ارجاع بدهند و اعلام آمادگی کامل برای کمک به آنان، روابط بین مجلس شورای اسلامی و وزارت کشاورزی خوب و گرم بود. حوزه معاونت پارلمانی با همکاری وزیر محترم و سایر معاونان از یک طرف و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی از طرف دیگر



و کمک و مساعدت جناب آقای حجت الاسلام کروبی که ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده داشتند به خوبی شکل گرفت.

مشکل بزرگ داخلی وزارت کشاورزی در این زمان، تنوع شدید سلیقه‌ها (راست و چپ به تعبیر آن زمان) بود که نیمی از معاونان با سلیقه سیاسی راست و نیمه دیگر با سلیقه سیاسی چپ، شورای معاونان را از صبح زود تشکیل می‌دادند و گاهی تا نیمه‌های شب بحث‌های سیاسی و درگیری‌های لفظی شدید مانع تصمیم‌گیری‌های فنی و مفید می‌شد. تنها بنده و آقای دکتر یزدی صمدی وارد این بحث‌ها نمی‌شدیم. لذا از وزیر محترم تقاضای وقت ملاقات خصوصی کردم و خدمت ایشان رسیدم و عرض کردم که جناب وزیر! معاونان شما درگیری‌های فکری و سیاسی فراوان دارند و به هر حال ممکن است از نظر شما حرف‌ها و مسائل گروه راست و یا گروه چپ، درست و مطابق سلیقه شما باشد، اما بهتر است تجدید نظری بفرمایید و کار را یک طرفه کنید. ایشان فرمودند که این برخوردها «برآیند نظرات جامعه» است و من هیچ اشکالی در آن نمی‌بینم. از ایشان خواستم که در این صورت اجازه بفرمایند که من به محل کار و مأموریت اصلی‌ام شهرکرد بازگردم [در این زمان دانشگاه‌ها بازگشایی و مشغول به فعالیت شده بودند و دانشگاه اصفهان مرتب نامه‌نگاری می‌کرد که یا به وزارت کشاورزی منتقل شوم و یا به شهرکرد بازگردم]. لذا استعفای خود را تقدیم جناب آقای سلامتی نمودم و با اصرار از ایشان اجازه گرفتم و به دانشکده سابق خود (دامپروری) که بعد از انقلاب فرهنگی به آموزشکده کشاورزی تبدیل شده و از دانشگاه اصفهان منتزع و به دانشگاه صنعتی اصفهان (که دانشکده کشاورزی داشت) منتقل شده بازگشتم.

پس از بازگشت، حکم ریاست آموزشکده و بعد هم حکم رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه اصفهان (به صورت توأمان) را دریافت کردم و پنج سال در این مسئولیت انجام وظیفه کردم. در طول این ۵ سال، تحولاتی

در وزارت کشاورزی به وجود آمده بود. بعد از ۵ سال مجدداً با دعوت جناب آقای دکتر کلانتری، وزیر محترم کشاورزی، برای تصدی پست «معاونت تحقیقات و آموزش کشاورزی» به تهران دعوت شدم. جناب آقای دکتر توفیقی، که معاون آقای دکتر کلانتری در این پست بودند، استعفا داده بودند ولی به دلایلی این جابه جایی اتفاق نیفتاد و آقای دکتر کلانتری معاونتی را به نام آموزش و ترویج ایجاد و حکم تصدی آن را به نام اینجانب صادر کردند. حالا اداره کل ترویج از معاونت زراعت و سازمان آموزش از معاونت تحقیقات جدا شده و در یک حوزه مجتمع شده بودند. در همین زمان، تشکیلات جدید وزارت کشاورزی نیز در دست تهیه بود و پس از یک سال، حوزه معاونت «تات» (تحقیق، آموزش و ترویج) تصویب و به وزارت کشاورزی ابلاغ شد. در عین حال جناب آقای دکتر توفیقی هم که نسبت به این تغییر و تحولات اعتراض داشتند تصمیم گرفتند به دانشگاه تهران بازگردند و به این صورت اولین حکم حوزه معاونت «تات» به نام اینجانب صادر شد که تا زمان دوره دوم ریاست جمهوری جناب آقای دکتر محمد خاتمی طول کشید. پس از آن من مجدداً به دانشگاه صنعتی اصفهان بازگشتم و جناب آقای مهندس عباس کشاورز تصدی این معاونت را بر عهده گرفتند. من هم بلافاصله از طرف جناب آقای دکتر معین به ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان منصوب شدم. با ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی و تأسیس وزارت «جهاد کشاورزی» و قبولی وزارت آن از طرف جناب آقای مهندس حجتی، بدوً جناب آقای دکتر قره یاضی تصدی معاونت تات را بر عهده گرفته بودند که با استعفای ایشان و درخواست مصرانه جناب آقای مهندس حجتی و با موافقت جناب آقای دکتر معین، مجدداً از ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان، مستقیماً به تهران آمدم و تصدی معاونت تات را بر عهده گرفتم.



سؤال ۲: قبل از ورود به وزارتخانه چه اهدافی را برای توسعه بخش کشاورزی در نظر داشتید؟

♦ دکتر آهون منش:

قبل از ورود به وزارت کشاورزی، به دلیل عدم آشنایی با علم سیاست و عدم تجربه در مدیریت‌های اجرایی، بلندپروازی‌های خاص خود را داشتم و با توجه به مبارزات سیاسی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی داشتم و مدت‌ها با زندان و ساواک درگیر بودم، فکر می‌کردم کشاورزی ایران می‌تواند یکی از بهترین‌های منطقه و جهان باشد. به نحوی که وقتی برای مصاحبه حضوری به عنوان نامزدی برای وزارت کشاورزی و معرفی به مجلس با آقای مهندس موسوی، نخست‌وزیر وقت، به محضر ایشان (در دفترشان) راه یافتیم، در مقابل این سؤال که آیا برای وزارت کشاورزی داوطلب هستید عرض کردم که آماده نیستم. ابتدا از ایشان تشکر کردم که فردی را از استان چهارمحال و بختیاری برای وزارت در نظر گرفته‌اند و این نشان می‌دهد که ایشان به دنبال نیروهای کارآمد می‌گردند، ولی خدمت ایشان عرض کردم که اگر می‌خواهید کشاورزی مملکت توسعه یابد، باید به دنبال یک فرد قوی و سیاسی که همه بزرگان ایران حرفش را قبول داشته باشند بگردید. ایشان «مصدق» خواستند و من به سادگی و بی‌تعارف عرض کردم شخص آقای هاشمی رفسنجانی!! این، نشان می‌داد که من از معادلات سیاسی کشور برآورد درستی نداشتم. ایشان به روی خود نیاوردند و به من گفتند حالا شما یک برنامه بدهید، که خدمتشان عرض کردم اجازه بدهید کسانی که از من شایسته‌تر هستند برنامه بدهند. تشکر نمودم و دفتر ایشان را ترک کردم. بنابراین در جواب سؤال شما در مورد اینکه قبل از ورود به وزارت کشاورزی چه اهدافی را در نظر داشتید، پاسخ می‌دهم که اهداف بسیار بلندپروازان‌های برای بخش

داشتیم که از تصوراتم از اینکه حالا انقلاب شده و مملکت گلستان خواهد شد و به سوی آبادانی و توسعه موعود خواهیم رفت شکل می گرفت. اینکه «کشاورزی و توسعه روستایی» محور تمام پیشرفت های کشور خواهد بود.

سؤال ۳: ارزیابی جنابعالی پس از دوره وزارت از میزان تحقق اهداف مورد نظر چیست؟

❖ **دکتر آهون منش:**

با توجه به آنچه ذکر کردم و آن آرمان گرایی غیرقابل تصور و اهداف بلندپروازانه جوابم قطعی است که میزان تحقق اهدافم به سمت «صفر» میل می کند!! و اینکه حتی درصد کمی از آن آرمان گرایی هم به تحقق نپیوسته است.

سؤال ۴: پنج مورد از مهمترین اقدامات دوره مدیریت تان را برای توسعه بخش کشاورزی ذکر فرمایید.

❖ **دکتر آهون منش:**

در اولین سال های قبول مسئولیت در حوزه معاونت «تات» و با توجه به اینکه حوزه ترویج از معاونت زراعت جدا شده بود و حوزه آموزش کشاورزی نیز در معاونت تحقیقات و آموزش جایگاه مناسبی نداشت و تحقیقات «مطلق کل و ارباب» به حساب می آمد، مهمترین کارم این بود که بتوانم برای این دو حوزه



کاری جایگاه مناسبی تعیین نمایم، تا بتوانند مأموریت خود را به خوبی انجام بدهند. مشکل کار آنجا بود که بر اساس تشکیلات ابلاغی جدید، آموزش و ترویج فقط در ساختمان وزارتخانه از مسئولیت های معاونت تحقیقات به حساب می آمدند؛ در عمل، در استان ها در «ادارات کل کشاورزی» و بعد از ادغام هم جهاد کشاورزی فعالیت های ترویجی و آموزشی را اجرا می کردند و در هر استان برای این فعالیت ها به صورت اختصاصی برنامه ریزی می شد و اعتبار لازم هم از طریق برنامه و بودجه استان تأمین می گردید، اما اجرای طرح های تحقیقاتی از تهران هدایت می شد و اعتبارات آن متمرکز بود و مراکز تحقیقات استانی فقط از مؤسسات تحقیقاتی مربوط به خود (و نه حتی سازمان مرکزی تحقیقات) تبعیت می نمودند. این در حقیقت یک درهم ریختگی اداری محض بود و بسته به توان اجرایی هر مدیر کل در استان و میزان محبوبیت و کارایی او نزد وزیر محترم و معاونان اجرایی ایشان، برنامه هایی به مراکز تحقیقاتی و ادارات آموزشی و ترویج دیکته می شد. بنابراین اولین وظیفه اینجانب «نظم دهی» و تعیین یک «خط مشی» ثابت برای اجرای وظایفم در حوزه معاونت «تات» بود، که با مسافرت های مستمر اینجانب (همراه با شورای تات به استانها) و ایجاد هماهنگی با مدیران استانی و رابطه مستقیم با محققان و مروجان و مدیران آموزشی و آشنایی با مشکلات آنان و برطرف کردن این مشکلات همراه بود که تا اندازه ای موفق به حل مشکلات شده بودم؛ اما در هیچ مورد، مشکل مزبور به صورت کامل حل نشد زیرا مشکل «ساختاری» بود و نه «مدیریتی».

یک مشکل اساسی دیگر هم وجود داشت و آن این بود که محققان کشاورزی در مؤسسات مختلف با عالی ترین مدارج علمی کار می کردند، و خود را با اساتید دانشگاهها مقایسه میکردند و تقاضای برابری جایگاه و حقوق معادل آنان را می نمودند که رسیدن به چنین اهداف و درخواست هایی مستلزم پذیرش سازمان

تحقیقات و تشکیلات آن از طرف وزارت علوم بود و وزارت علوم هم زیر بار چنین مصوبه‌ای نمی‌رفت، زیرا می‌گفتند اعضای هیئت ممیزه سازمان تات را قبول ندارند! با توجه به آشنایی نزدیکی که با مقامات وزارت علوم و مخصوصاً اساتید دانشکده کشاورزی کرج داشتیم، ابتدا حکم اعضای هیئت ممیزه مورد قبول وزارت علوم (و دانشکده کشاورزی کرج) را از وزیر محترم وقت علوم گرفتیم. با تشکیل هیئت ممیزه‌ای مرکب از اعضای سازمان تحقیقات و دانشکده کشاورزی، امر برابری احکام محققان سازمان تحقیقات به اجرا درآمد. مشکل بزرگ دیگری که وجود داشت، مربوط به ادغام وزارت کشاورزی و وزارت جهاد بود که با عنوان جدید «وزارت جهاد کشاورزی» مشغول به کار شده بودند و عدم هم‌ترازی مدارک تحصیلی محققان سازمان تات «مشکل‌ساز» شده بود. چنین مشکلاتی از آنجا ناشی می‌شد که وزارت جهاد که یک نهاد انقلابی بود با اختیارات خود، مدارک و جایگاه‌هایی به محققان خود داده بود که وزارت علوم (و اعضای هیئت ممیزه جدید که از دانشگاه تهران و دانشکده کشاورزی آمده بودند) آن مدارک و جایگاه‌ها را نمی‌پذیرفتند، و به همین دلیل اجرای احکام هیئت ممیزه و هم‌ترازی افراد غیر ممکن شده بود. لذا بعد از مذاکرات مفصلی با اعضای جدید هیئت ممیزه، قرار شد هیئت ممیزه بدو با سعه صدر بیشتری نسبت به برقراری حداقل‌های ممکن موافقت نمایند و سپس در طول زمان و به تدریج مسئله هم‌ترازی و معادل‌سازی احکام شکل بگیرد و این مشکل هم به نوعی حل شد.

مسئله مهم دیگر این بود که اغلب فارغ‌التحصیلان ایرانی که از کشورهای توسعه‌یافته (کانادا، آمریکا، استرالیا، انگلستان و غیره) برمی‌گشتند، دانشگاه‌ها را به سازمان تحقیقات ترجیح می‌دادند و حاضر به استخدام در سازمان تحقیقات نبودند. به همین دلیل تصمیم بر آن شد شاگردان اول دانشکده‌های کشاورزی



ایران به عنوان بورسیه به خارج از کشور اعزام شوند و پس از اخذ دکتری به سازمان تحقیقات بپیوندند. طبق قانون چنین مجوزی برای وزارت علوم دیده شده بود و وزارت کشاورزی حق اعزام بورسیه نداشت. لذا برای حل این مشکل چاره جویی شد و آن هم این بود که چون سازمان تحقیقات در چارچوب قانون با CGIAR (سازمان بین المللی تحقیقات) و مراکز تحقیقات بین المللی وابسته به آن، رابطه مستقیم کاری داشت بورسیه ها به مراکز تحقیقات بین المللی مأمور می شدند و از آن طریق در دانشگاه های مهم و معتبر دنیا تحصیل می نمودند و به ایران بازمی گشتند. این تمهید توانست تا حدود زیادی مشکل جایگزینی محققان جوان و تحصیل کرده را با اعضای بازنشسته سازمان حل نماید. مشکل بزرگ دیگر که برای سازمان تحقیقات پیش آمد، این بود که در زمان ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی، تصمیم گرفته شد که حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه ها دو برابر شود که با برقراری یک آیتم جدید به نام «فوق العاده ویژه» در ارقام حقوق آنان به اجرا در آمد؛ اما این مسئله در بودجه سازمان تحقیقات دیده نشده بود و تلاش سازمان برای تأمین چنین رقمی ناکام ماند و چون حداکثر زمان اجرای این حکم تا دی ماه آن سال پیش بینی شده بود و اگر برای محققان سازمان تا آن زمان اجرا در نمی آمد دیگر اجرای آن ممکن نبود، لذا تصمیم گرفته شد که برای ماه های باقی مانده از سال، مبلغ مزبور محاسبه و از هزینه های کل سازمان تحقیقات تأمین گردد. به همین دلیل، برای سال های بعد سازمان تحقیقات توانست این افزایش حقوق را در بودجه خود بگنجانند و به تصویب مجلس شورای اسلامی برسانند و این مشکل هم حل شد. یکی دیگر از مشکلاتی که بعد از ادغام دو وزارتخانه پیش آمده بود تعیین تکلیف ساختمان های متفاوت و تشکیلات موازی آموزشی و ترویجی و تحقیقاتی بود که هر دو وزارتخانه داشتند و به دلیل حساسیت بسیار زیاد مقامات وزارتی و کارکنان دو وزارتخانه ادغام شده

نسبت به یکدیگر و نسبت به تشکیلات و ساختمان‌های موجود و افزایش کارکنان واحدها و وجود پست‌های موازی در ادارات مختلف ایجاد شده بود. بنده انرژی زیادی را برای هماهنگی آنها و انتخاب ساختمان مناسب، یا کارمند مناسب برای تشکیلات جدید صرف نمودم و خوشبختانه موفقیت در این قسمت هم چشمگیر بود. یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که در این دوره به اجرا در آمد، مربوط به «آموزش عملی» و «مهارت‌آموزی» کارشناسان مشغول به کار در سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها بود. جناب آقای مهندس طهماسبی تازه از روابط عمومی وزارت به معاونت آموزش منصوب شده بودند و برنامه‌های جدیدی برای آموزش کارکنان ترتیب داده بودند. حوزه معاونت آموزشی سازمان با عقد تفاهمنامه‌ای با کشت و صنعت مغان (که با مدیریت جناب آقای مهندس خامنوی و تحت نظارت مستقیم جناب آقای دکتر کلانتری اداره می‌شد) دوره‌هایی را برای آموزش عملی کارشناسان و مهندسان استانی طراحی نموده و به اجرا می‌گذاشتند که طی آن از سازمان‌های کشاورزی استان‌ها کارشناسان و مهندسان جوان برای شش ماه به مغان می‌آمدند و در عملیات کاشت و داشت و برداشت و پرورش دام و با ماشین‌آلات سنگین مستقیماً کار می‌کردند. هنوز هم زمانی که با مدیران فعلی و کارشناسان خبره وزارت جهاد روبه‌رو می‌شوم، یادآوری می‌کنند که آن دوره یکی از بهترین دوره‌هایی بود که در وزارت جهاد کشاورزی به اجرا درآمده است.



سؤال ۵: مهم ترین چالش‌های بخش کشاورزی از دیدگاه جنابعالی کدام‌اند؟

❖ دکتر آهون منش:

متأسفانه چالش‌های بخش کشاورزی بسیار زیادند: کمبود ماشین‌آلات و فناوری، کمبود سرمایه‌گذاری، تغییر کاربری اراضی و کوچک بودن اراضی زیر کشت، استفاده غیراصولی از منابع پایه، فرسایش و تخریب جنگل‌ها و مراتع، پایین بودن راندمان استفاده از آب (و در کنار آن فقدان حاکمیت مشخص برای بحران آب، خشکسالی‌ها، مصرف بی‌رویه آب در کشاورزی سنتی، عدم توجه به تجارت آب، عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین آبیاری)، نامناسب بودن نظام بهره‌برداری، ناکافی بودن مشارکت روستاییان و تولیدکنندگان (پایین بودن سطح سواد و بالابودن میانگین سن آنان) و غیره. ولی من فکر می‌کنم از میان همه این چالش‌ها، عدم سرمایه‌گذاری در بخش و مسئله آب از مهم‌ترین چالش‌ها باشند.

سؤال ۶: چه طرح‌هایی را برای بخش کشاورزی مناسب می‌دانستید و فرصت اجرای آن پیش نیامد؟

❖ دکتر آهون منش:

با توجه به مسئولیتم در حوزه معاونت، مسئله «آموزش کشاورزان و کشاورزادگان» می‌توانست مسئله مهمی باشد. اما در برنامه‌های آموزش کشاورزان (به دلیل عدم علاقه آنان به مسائل نوین کشاورزی و میانگین

سنی بالا و عدم وجود اعتبار کافی) چندان موفق نبودم. در مورد آموزش کشاورزان، تقسیم وظیفه بین سازمان فنی و حرفه‌ای (از آموزش و پرورش) و معاونت آموزش کشاورزی (در وزارت جهاد کشاورزی) و استقبال بیشتر جوانان روستایی از آموزش‌های غیرکشاورزی (حتی رشته‌های علوم انسانی بهتر از کشاورزی پذیرفته شده بود!!) و فقدان یک متولی پرقدرت، انجام این آموزش‌ها را بسیار سخت کرده بود. در بخش تحقیقات کشاورزی ارتقای محققان بر اساس مقاله و نه معرفی رقم یا محصولات جدید و عدم پذیرش این نوع موفقیت‌ها در ارزیابی آنان، از طرف هیئت‌های ممیزه نیز از موارد عدم موفقیت‌ها در دوران مسئولیت بود.

سؤال ۷: چه چالش‌هایی از بخش، منشأ درون سازمانی و چه چالش‌هایی منشأ برون سازمانی دارند؟

❖ دکتر آهون منش:

اگر تأمین امنیت غذایی یک هدف مهم برای بخش کشاورزی به حساب آید، چالش‌هایی که مربوط به مسائل اقتصادی هستند مانند سرمایه‌گذاری، اشتغال، بهره‌وری، تجارت خارجی و ارزش افزوده مربوط به بیرون از بخش کشاورزی است و مشکلات در تولیدات زراعی، تولیدات باغی، تولیدات دامی و تولیدات شیلاتی مربوط به چالش‌های درون بخش به حساب می‌آیند. مسائل مربوط به منابع پایه مانند آب، خاک، جنگل، مرتع و ذخایر ژنتیکی «دوگانه» هستند یعنی هم از چالش‌های درونی بخش به حساب می‌آیند و هم مربوط به چالش‌های بیرون بخش هستند.



سؤال ۸: بهترین دوره کشاورزی ایران چه دوره‌ای بوده است؟

❖ دکتر آهون منش:

بهترین دوره کشاورزی میتواند دوره‌ای باشد که شاخص‌های کلان بخش و شاخص‌های خرد به نفع بخش در جریان باشند و در یک دوره خاص، بخش به اهداف خود رسیده باشد. بنده چنین دوره‌ای را به یاد نمی‌آورم. نه قبل و نه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.

سؤال ۹: آیا کشاورزی در ایران محور توسعه است؟

❖ دکتر آهون منش:

خیر، نه می‌تواند باشد و نه باید باشد. در یکی از برنامه‌های توسعه کشور (سوم یا چهارم)، کشاورزی محور توسعه بود. در آن برنامه کشاورزی از تمام بخش‌های اقتصادی مملکت رشد کمتری داشت! علاقه بزرگان این کشور بر محور توسعه صنعت شکل گرفته و با توجه به خردبودن زمین‌ها و کشاورزی سنتی، بی‌سوادی و کم‌سوادی کشاورزان، عدم سرمایه‌گذاری در بخش و فاکتورهایی که ذکر کردم کشاورزی محور توسعه نیست و نمی‌تواند باشد.

سؤال ۱۰: آینده کشاورزی ایران را چگونه پیش بینی می کنید؟

❖ دکتر آهون منش:

با وضع فعلی و وجود چالش های پر قدرت، پیشخور کردن بیش از ۹۰ درصد از آب های زیرزمینی، تغییرات آب و هوایی و گرم شدن کره زمین، و از بین رفتن منابع پایه تولید، وضع خوبی را برای کشاورزی در ایران پیش بینی نمی کنم.

سؤال ۱۱: برای بهبود وضع کشاورزی چه پیشنهادهایی دارید؟

❖ دکتر آهون منش:

برای بهبود وضعیت کشاورزی باید به عوامل توسعه بخش توجه نمود. سه شاخص اصلی توسعه یافتگی، امید به زندگی (از معیارهای بهداشت و سلامت)، درآمد سرانه (معیار سرمایه اقتصادی) و نرخ سواد و میانگین سنی (معیار سرمایه انسانی) هستند. برای بهتر شدن وضع کشاورزی باید به توسعه تولید، توسعه روستا، و توسعه نیروهای انسانی در بخش کشاورزی توجه کنیم. رسیدن به چنین هدفی یک برنامه درازمدت (مثلاً ۲۰ساله) می خواهد. مگر ما در برنامه بیست ساله توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ایران موفق بودیم؟ هرکس آمد، یک گوشه آن را به دلخواه خود تغییر داد!!! چون اعتقادی به برنامه وجود ندارد. لذا بهتر است بگویم برای توسعه بخش کشاورزی و بهتر شدن آن باید روی ذهن و فکر مدیران ارشد نظام کار کرد، تا آنان قبول کنند که کشاورزی در این کشور می تواند خیلی مهم باشد.



سؤال ۱۲: کشاورزی چه اختیاراتی کم دارد؟

❖ دکتر آهون منش:

کشاورزی امروز قانون‌های خوبی دارد ولی با توجه به عدم هماهنگی‌های لازم بین سه قوه و عدم همکاری وزارتخانه‌های ذیربط (دولت) این قوانین به اجرا در نمی‌آیند. به عقیده من، یک وزیر مقتدر و یک رئیس‌جمهور معتقد به بخش کشاورزی می‌توانند با همین قوانین موجود هم به بخش کمک نمایند. هیچ معجزه‌ای و یا هیچ کمک غیبی پر قدرتی نمی‌تواند بدون اختیارات کافی بخش را به جایی برساند.

سؤال ۱۳: اگر بخواهید یک شعار، جمله، یا عبارت کوتاه برای گفتمان‌سازی بیان کنید که مشکل فعلی بخش کشاورزی و یا حرکت آینده به سوی وضع مناسب بخش باشد چه می‌گویید؟

❖ دکتر آهون منش:

چنین شعار، جمله یا عبارت کوتاهی در ذهنم ندارم!!!

سؤال ۱۴: تحول در بخش کشاورزی نیازمند چه مؤلفه‌هایی است؟**❖ دکتر آهون منش:**

برای ایجاد تحول، شما باید در ساختارها تغییر ایجاد کنید و برای هر تغییر باید قبل از هر چیز، ذهن‌ها را برای آن تغییر آماده نمایید و الا با مقاومت مواجه می‌شوید. شاید بهترین مؤلفه برای تغییر، «آموزش و اطمینان از نتایج تغییر» است. شاید مهمترین عنصری که در وضع موجود کشور از دست رفته، اطمینان به دولتمردان و عدم وجود صداقت در عمل آنان باشد. اول از همه، مسئولان باید ثابت نمایند در آنچه می‌گویند صادق هستند و منافع ملی را بر منافع شخصی ارجح می‌دارند تا مردم هم بپذیرند که باید در خود و وضع موجود تغییر ایجاد کنند.

سؤال ۱۵: رقابتی و اقتصادی کردن کشاورزی چگونه امکان پذیر است؟**❖ دکتر آهون منش:**

بخش عظیمی از کشاورزی ایران در حال حاضر «خانواده محور» و «معیشتی» است و در اراضی کوچک صورت می‌گیرد و زندگی همه افراد خانواده باید از همان زمین کوچک تأمین شود. از طرفی وضع اقتصادی کشور هم خوب نیست و بیکاری بسیار زیاد است. وجود سنت‌های قدیمی و پیچیدگی مالکیت‌ها در ایران و



عدم تمایل به همکاری های جمعی نیز مانع بزرگی برای یکپارچه سازی اراضی به حساب می آید. برای رفع چنین مشکلی بارها از طرف مقامات پیش نویس قانون به منظور جلوگیری از کوچک شدن اراضی به مجلس شورای اسلامی ارائه گردیده است ولی شورای محترم نگرهبان به دلیل آن که در اسلام برای مسئله ارث قانون مشخص وجود دارد، از تصویب آن جلوگیری کرده است. در بسیاری از کشورها زمانی که مالک اراضی کشاورزی فوت می کند طبق قانون، بلافاصله زمین قیمت گذاری شده و یک نفر از وراثت با پرداخت سهم بقیه، مالک همه زمین می شود و این مسئله باعث یکپارچه ماندن زمین های زراعی می گردد؛ ولی در ایران حتی بزرگترین قطعات زمین هم بعد از چند نسل، کوچک و کوچک تر می شود و کشت آن صرفه اقتصادی ندارد. در زمین های کوچک امکان به کار گرفتن ماشین آلات و کشت مکانیزه وجود ندارد. لذا در پاسخ سؤال شما می گویم، برای اقتصادی کردن کشاورزی باید زمین های زراعی در قطعات بزرگ (یکپارچه) کشت گردد و بخش اضافی شاغلان نیز باید از بخش کشاورزی خارج و به بقیه بخش های اقتصادی برونند تا تولیدات کشاورزی قدرت رقابت با بقیه بخش های اقتصادی را داشته باشند.

سؤال ۱۶: کشاورزی ما بیشتر کمیت گراست و اگر نگوئیم کیفیت گریز است می توان گفت کمتر توجه به کیفیت محصولات داشته است. با توجه به اینکه سلامت غذا وجه غالب امنیت غذایی است و بخش کشاورزی منشأ و گهواره تهیه غذای سالم و کیفی است، تحقق این مهم نیازمند چه نگاه و ساختاری است؟

❖ دکتر آهون منش:

پاسخ به این سؤال مستلزم توجه به دو اصل جداگانه است:

۱- بخش مربوط به تولیدکنندگان. درصد زیادی از تولیدکنندگان مسن و فاقد سواد و درک کافی برای رعایت دستورات کارشناسان و مروجان در بخش هستند. مثلاً کشاورز درکی از دوره «کارنس» سم یا مقدار معین کود شیمیایی لازم برای محصولات خود ندارند، یا دامپروران درکی از گردش آنتی بیوتیک ها و یا هورمون های حیوانی در بدن حیوانات ندارند، و تصورشان این است که هرچه بیشتر کود بدهند، مقدار محصولاتشان افزایش می یابد. همین مسئله باعث تراکم عناصر خطرناک و بروز عوامل سرطان زا در محصولات کشاورزی میگردد و یا اینکه بعد از مصرف هر نوع سم بدون اطلاع از اثرات مرگبار آن بر موجودات زنده، بلافاصله محصول سمپاشی شده را به بازار عرضه می نمایند. این مسئله زاییده «خباثت ذاتی» آنان نیست و فقط از جهل است.

۲- فقدان یک سیستم کنترلکننده (ناظر) در مبادی بازارها، دولت ها هرگز نظارت بر فراورده ها و یا تولیدات کشاورزی مبنی بر رعایت یا عدم رعایت استانداردها را جدی نگرفته اند. اگر دستگاه نظارتی، خياری که هنوز آلوده به سم است و برای مصرف به بازار عرضه شده را معدوم کند بقیه کشاورزان می پذیرند که رعایت استانداردها الزامی است و عدم رعایت آن جان هموعان آنها را به خطر می اندازد. در زمینه نظارت و عدم رعایت استانداردها، اغلب محصولات فراوری شده غذایی نیز مشمول نظارت نبوده و نیستند. البته کشاورزانی هم وجود دارند که آگاهانه در گونی های سیب زمینی و پیاز «سنگ و خاک» اضافه میکنند!! که این همان، خباثت ذاتی است و برخورد قانونی را می طلبد. شاید بتوان پاسخ این سؤال را بدین صورت جمع بندی کرد که «آموزش» های لازم و «نظارت جدی» بر دستگاه های ذی ربط کلیدهای حل مسئله هستند.



سؤال ۱۷: نظر به اینکه کشورهای جهان برای تحول در بخش کشاورزی، جنبه های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را توأمان مورد توجه قرار داده اند و دولت ها برای تغییر وضع موجود و تحقق اهداف مورد نظر تمرکز و عزم جدی دارند، جنابعالی برای پیمودن این مسیر که نه یک انتخاب بلکه اجبار است چه پیشنهاد، رهنمود و راهکاری دارید؟

❖ دکتر آهون منش:

شما خودتان در متن سؤال به جواب آن هم اشاره فرمودید. پیمودن این مسیر یک «اجبار» است باید آن را با اجبار به اجرا درآورد. ولی شخصاً معتقدم اجبار در هیچ مقوله ای پاسخ لازم را نمی دهد، اگر می داد جمهوری اسلامی بعد از چهل و دو سال بسیاری از مشکلات خود را حل کرده بود. برای ایجاد تحول باید ذهن ها را آماده کرد و آماده کردن اذهان، زمان، آموزش، تبلیغات و عمل به وعده ها را می طلبد.

سؤال ۱۸: با توجه به اینکه در مقایسه با بخش خدمات و صنعت، میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بسیار کمتر است و اساساً شاید کشاورزی شغل محسوب نشود؛ چگونه می توان جاذبه سرمایه گذاری در این بخش ایجاد کرد؟

❖ دکتر آهون منش:

در سؤالات قبلی در این مورد بحث کردیم. اگر کشاورزی سودآور باشد و سود آن با صنعت و خدمات

برابری نماید، به خوبی میتوان سرمایه‌ها را به سمت کشاورزی سوق داد. کشاورزی صنعتی می‌تواند یکی از بهترین شغل‌ها باشد. اما اگر کشاورزی معیشتی مورد نظرتان است، حرف درستی است. کشاورزی شغل نیست.

سؤال ۱۹: برخی از موضوعات بخش نیازمند هماهنگی و همکاری سایر دستگاه‌هاست (نظیر واردات و صادرات، تنظیم بازار، سلامت محصولات، کاهش ضایعات، کاهش و حذف واسطه‌های غیر ضروری). جناب‌عالی در دوران مسئولیت تان این تعاملات را چگونه انجام می‌دادید و برای رفع این مشکل چه پیشنهادی دارید؟

❖ دکتر آهون منش:

این سؤال به سؤال ۷ مربوط می‌شود که بخشی از چالش‌های کشاورزی مربوط به بیرون از بخش است. البته این ناهماهنگی‌ها در تمام شئون دولت وجود دارد. هر واحد برای خود جزیره‌ای مستقل است، و دولتی جداگانه دارد و این مشکل متأسفانه در تمام سطوح به چشم می‌خورد. اما در شرایط موجود فکر می‌کنم بهترین چاره، یک وزیر پرقدرت و پر سروصدا در کابینه است. گاهی نجابت بیش از حد، کار دست وزرا می‌دهد و از قافله عقب می‌مانند. بعد هم تعامل معاونان وزارتی می‌تواند کارساز باشد. در زمان معاونت من، قسمت بزرگی از مشکلات مربوط به وزارت علوم بود که از طریق جلب اعتماد و تعامل حل شد.



سؤال ۲۰: اگر جنابعالی مختار بودید که در بخش کشاورزی یک وظیفه را انجام دهید، چه موضوعی را انتخاب می کردید؟ تأمین نهاده‌ها، ترویج کشاورزی، تحقیقات، اتکا بر مدیریت دانش و فناوری، تأمین سرمایه، ایجاد تشکلهای کارآمد، سامان دهی بازار، خودکفایی محصولات اساسی، بهره‌وری عوامل تولید به ویژه آب و ...

❖ دکتر آهون منش:

اگر کشاورزی اقتصادی شود، خودبه خود بقیه مشکلات هم حل خواهد شد (چون که صد آید، نود هم پیش ما است).

سؤال ۲۱: تقویت توسعه فراگیر روستایی از مؤلفه‌های اساسی تحول در بخش کشاورزی محسوب می شود، برای رفع این نقیضه و ترسیم جایگاه تشکیلاتی برای رسیدن به این مهم چه پیشنهادی دارید؟

❖ دکتر آهون منش:

توسعه نزد افراد مختلف تعاریف متفاوتی دارد. مرحوم عظیمی که از برنامه‌ریزان ارشد نظام بود و به رحمت خدا رفته است در تعریف توسعه می گوید: بازسازی جامعه براساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه. این اندیشه‌ها

و بصیرت‌های تازه در دوران مدرن شامل علم باوری، انسان باوری و آینده باوری است. اما سازمان ملل متحد توسعه را ترکیبی از اکونومی، اکولوژی و سیاست می‌داند. بنابراین برای توسعه روستایی برمی‌گردیم به پاسخ قبلی من که یکی از شرایط لازم برای توسعه یافتگی را «سرمایه انسانی، نرخ سواد و میانگین سنی افراد» دانسته بودم. اگر سرمایه‌های انسانی ما در روستا توسعه یابد، تحول در بخش کشاورزی هم اتفاق خواهد افتاد.

سؤال ۲۲: مهاجرت‌های بی‌رویه و گسترش حاشیه‌نشینی که ناشی از کمبود درآمد در مناطق محروم و روستایی است از موضوعات مهم و بحرانی کشور است. نقش بخش کشاورزی در کاهش و کنترل این بحران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

❖ دکتر آهون منش:

مهاجرت‌های بی‌رویه معلول فقر و بیکاری در روستاست. اگر این دو پدیده به نوعی حذف شوند مهاجرت به شهرها قطع و حتی مهاجرت معکوس هم ممکن است اتفاق بیفتد. همه این مسائل در اقتصادی شدن کشاورزی نهفته است.



سؤال ۲۳: وزارت جهاد کشاورزی قبل از انقلاب چهار وزارتخانه و بعد از انقلاب دو وزارتخانه بوده است. آیا ادغام این وزارتخانه‌ها به صلاح بخش بوده است یا خیر؟ لطفاً نظر تان را بیان فرمایید.

❖ دکتر آهون منش:

کشورهای در حال توسعه دائماً در حال تجربه کردن کارهای جدید هستند و هرگز از نتایج تجربه‌ها بهره‌گیری لازم را نمی‌کنند. برای پاسخ، شما را به کتاب کوچکی با عنوان سیر تطورات کشاورزی در ایران ارجاع می‌دهم که در مرکز اسناد سازمان تحقیقات وجود دارد. به عقیده من، جهاد سازندگی یک نهاد انقلابی بود مانند سایر نهادها. هیچ لزومی به وزارتخانه شدن آن وجود نداشت، اما وقتی وزارتخانه شد، در چارچوب مقررات گیر کرد و به تدریج گرفتار بوروکراسی اداری شد و به صورت موازی با وزارت کشاورزی به رقابت پرداخت و به دلیل انقلابی بودن مرتب، هل من مزید سر می‌داد و بالاخره هم مسئولان به این نتیجه رسیدند که دو وزارت برای یک موضوع واحد معنایی ندارد و آنها را در هم ادغام کردند. اینکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چهار وزارتخانه بود هم دلایل خاص خود را دارد که در این مصاحبه نمی‌گنجد. شما به کشورهای توسعه‌یافته جهان نگاه کنید (ژاپن، استرالیا، آمریکا، کانادا، و ...) علی‌رغم کشاورزی توسعه‌یافته وزارتخانه‌هایی کوچک و جمع‌وجور دارند. توسعه‌یافتگی کشاورزی به تعدد و بزرگی و کوچکی وزارتخانه‌ها نیست، بلکه به «توسعه منابع انسانی» و قبول «خصوصی‌سازی واقعی» بستگی دارد.

سؤال ۲۴: دانشگاه‌های کشور بیشتر تئوری محور و کمتر حلال مسائل و مشکلات مبتلا به کشور می باشند. جدا از افزایش بی‌رویه مراکز دانشگاهی و آموزشی مرتبط با حرفه کشاورزی در کشور، فارغ‌التحصیلان نیز اندک توان عملی داشته و نقش عینی در تحول و حرکت از کشاورزی سنتی به کشاورزی علمی ایفا نمی‌کنند. در دوران مسئولیت تان چه تمهیداتی برای رفع این مشکل اندیشیدید و چه پیشنهادی برای اصلاح وضع موجود دارید؟

❖ دکتر آهون منش:

باید بین تربیت افراد به منظور «انجام امور علمی» و «مهارت آموزی برای انجام کارهای اجرایی» در بخش کشاورزی تفاوت قائل شد. در این مورد می‌توانیم به وضعیت تحصیلی در مقاطع مختلف در کشور آلمان توجه کنیم. در سطوح تحصیلی کارشناسی و کاردانی، دانشجو هم در مزرعه کار می‌کند و هم درس می‌خواند، ولی برای فراگیری علم برای استادی دانشگاه یا تحقیقات، دانشجو اصلاً کاری با مزرعه ندارد. فارغ‌التحصیلان کشاورزی باید چه چیزی را به کشاورزانی که آنان را قبول ندارند یاد بدهند (بعضی کشاورزان به طعنه می‌گویند آقای مهندس دانه گندم و جو را از هم تشخیص نمی‌دهد). تحول و حرکت از کشاورزی سنتی به کشاورزی علمی، چه ارتباطی با فارغ‌التحصیلان بخش دارد. این کار، برنامه‌ریزی در سطوح بالای مملکت را می‌طلبد. اما در پاسخ به اینکه خودم چه کار کرده‌ام همانطور که قبلاً هم گفتم در مغان دوره‌های عملی در بخش‌های متفاوت را راه انداختیم که تجربه موفق بود.



سؤال ۲۵: اگر بخواهید کشوری را به عنوان الگو برای توسعه کشاورزی مثال بزنید، چه کشوری را پیشنهاد می کنید؟

❖ دکتر آهون منش:

کشورها شرایط متفاوت و اکوسیستم های متفاوت دارند. ممکن است کشوری در یک اقلیم خاص ادعای رهبری در کشاورزی را داشته باشد ولی باید به شرایط محیطی آن کشور هم توجه نمود. شاید بتوانم به کشور هلند اشاره کنم که بهره‌وری بسیار بالایی از منابع دارد.

سؤال ۲۶: در زمان مسئولیت جنابعالی چه بخش‌هایی با توجه بیشتر و چه بخش‌هایی با توجه کمتر مواجه بودند. آیا دلیل خاصی برای اعمال این دیدگاه داشتند؟

❖ دکتر آهون منش:

قبلاً هم توضیح داده‌ام بخش «تحقیقات» قادر مطلق بود و به بخش‌های ترویج و آموزش کمتر رسیدگی می‌شد. دلیل این مسئله ساختاری بود. شاید تجمیع این سه بخش ناهمگن و غیرهمجوش به صلاح نبود. ولی در برنامه‌ریزی در ستاد وزارتی هر سه به هم چسبانیده شده بودند بدون اینکه به ساختار استانی آنها توجه شود و تغییرات لازم ایجاد گردد. شاید اگر با دید اولیه آقای دکتر کلانتری، معاونت آموزش و ترویج و معاونت تحقیقات به صورت جداگانه شکل می‌گرفتند بهتر بود.

ISBN: 978-964-520-967-2



9 789645 209672



نشر آموزش کشاورزی